



نگاهی دوباره به ساخت فعل امر فارسی

جواد محقق نیشابوری (عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی مشهد)

چکیده: همه دستورنویسان زبان فارسی به دو ساخت از فعل امر، یعنی دوم شخص مفرد و جمع، اشاره کرده‌اند و برخی از آنها به دو ساخت دیگر، یعنی سوم شخص مفرد و جمع (امر غایب)، هم توجه کرده‌اند.

فعل امر در متکلم، یعنی اول شخص مفرد و جمع، در کتاب‌های دستور به رسمیت شناخته نشده و نمونه‌ای برای آن نیامده است.

نگارنده، در این مقاله، در صدد اثبات وجود فعل امر در متکلم است و شواهد و نمونه‌های آن را در متون ادبی و نیز زبان گفتاری ارائه می‌دهد. اشاره به ساخت دیگری از فعل امر در دوم شخص مفرد (امر حاضر)، و نیز صورت آوایی این فعل از دیگر مطالب این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: فعل امر، امر متکلم، آواشناسی امر، امر حاضر.

۱ فعل امر از نظر دستورنویسان

در دستور تاریخی زبان فارسی آمده است: «فعل امر، از پیوستن شناسه‌های فعل امر به ماده مضارع ساخته می‌شود» (ابوالقاسمی ۱۳۹۲: ۱۹۲). در دو جای دیگر از این کتاب به شناسه‌ها و ساخت این فعل اشاره شده است. یک جا فقط دوم شخص مفرد و جمع به رسمیت شناخته شده

است (همان: ۱۹۹). این نظر در کتاب تاریخ زبان فارسی از همین نویسنده نیز بیان و بر آن تأکید شده است (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۳۰۰). در هیچ‌یک از این موارد، فعل امر در اول شخص، یعنی متکلم، موجودیت و موضوعیت پیدا نکرده است.

در دستور پنج استاد آمده است: «امر حاضر دو صیغه بیش ندارد یکی مفرد، دیگر جمع» (قریب و دیگران ۱۳۶۶: ۱۰۹). وحیدیان کامیار نیز بر همین موضع تأکید دارد و برای وجه امری دو ساخت قائل است (وحیدیان کامیار ۱۳۸۲: ۵۶). خانلری به وجه امری از زاویه‌ای دیگر نگریسته است و، از نظر داشتن یا نداشتن پیشوند، چهار حالت را استقصا کرده است. او به صیغه‌های فعل امر از نظر شخص و مفرد و جمع بودن اشاره‌ای نکرده، اما در ذیل مثال‌هایی که آورده، نشانی از فعل امر در اول شخص دیده نمی‌شود و این نشان می‌دهد که این ساخت از نظر وی محلی از اعراب ندارد (خانلری ۱۳۷۲: ۱۰۷). در دستور زبان فارسی (۱) از احمدی گیوی و انوری نیز آمده است: «برای فعل امر غالباً دو ساخت به کار می‌رود: دوم شخص مفرد و جمع» (احمدی گیوی و انوری ۱۳۷۲: ۶۰)؛ اما در دستور زبان فارسی (۲) از همین مؤلفان آمده است: «در برخی دستورها برای متکلم و غایب و به‌خصوص برای غایب نیز، امر قائل شده‌اند» (انوری و احمدی گیوی ۱۳۶۷: ۶۴). مثال‌هایی که برای این بخش آمده مربوط به امر غایب و حاضر است و نمونه‌ای از امر متکلم در آن دیده نمی‌شود. تأکید جمله، با عبارت «به‌خصوص برای غایب» نشان می‌دهد که همان «برخی دستورها» در امر متکلم دقیق نشده‌اند.

۲ فعل امر در واقعیت

فعل امر و طبعاً فعل نهی (امر منفی) مانند بقیه فعل‌ها دارای شش صیغه است، اما چون کاربرد دوم شخص آن بسامد بالایی دارد، نسبت به ساخت‌های دیگر آن مسامحه‌ای صورت گرفته است. با کمی دقت، می‌توان به ساخت سوم شخص آن نیز دست یافت: علی برود/ آنها بروند. اما تصور امر و نهی به خود، چه مفرد و چه جمع، کمی غریب می‌نماید و نمونه‌های آن هم، در زبان، به تعداد چهار صیغه دیگر نیست. اما کم بودن نمونه‌ها به معنی نبود آنها نیست. وقتی می‌گوییم 'بروم؛ نیازی به من نیست' یا 'برویم؛ دیر شد'، در هر دو مثال، فعل امر

متکلم به کار برده‌ایم. باید توجه کرد که در این دو جمله با مضارع التزامی روبه‌رو نیستیم. بروم و برویم هیچ التزامی به جمله بعدی ندارند و می‌توانند به‌تنهایی هم به کار روند و، به همین دلیل، پس از ادای آنها توقف می‌کنیم و این نشانه عدم التزام آنهاست. نمونه‌های این ساخت فعل را هم در شعر کلاسیک می‌توان دید و هم در شعر معاصر. در یک نگاه گذرا به هشت کتاب سهراب سپهری، به این موارد برمی‌خوریم:

آب را گل نکنیم

در فرودست انگار کفتری می‌خورد آب (سپهری ۱۳۶۰: ۳۴۵)

یا

یاد من باشد فردا بروم باغ حسن گوجه و قیسی بخرم

یاد من باشد هرچه پروانه که می‌افتد در آب زود از آب درآرم (همان: ۳۵۴)

یا

رخت‌ها را بکنیم

آب در یک قدمی ست

روشنی را بچشیم...

و بیاریم سبد

بریم این همه سرخ، این همه سبز (همان: ۲۹۲)

در این مصرع‌ها از شعر «صدای پای آب» تا حدود پنجاه مصراع بعد، این ساخت فعل امر ده‌ها بار استفاده شده است. در شعر «سایبان آرامش ما، مائیم»، از دفتر آوار آفتاب تعداد افعال امر و نهی متکلم، به رقم ۴۴ می‌رسد:

بیاپید از سایه روشن‌ها برویم

بر لب شبنم بایستیم، در برگ فرود آییم

برگردیم و نه‌راسیم...

عطش را بنشانیم، پس به چشمه روییم

برخیزیم و دعا کنیم: لب ما شیار عطر خاموشی باد (همان ۱۳۶۰: ۱۷۲-۱۷۴)

نمونه‌های کلاسیک این ساخت فعل را می‌توان در این رباعی از خیام نیشابوری دید:

تا دست به اتفاق بر هم نزنیم پای ز نشاط بر سر غم نزنیم
خیزیم و دمی ز نیم پیش از دم صبح کاین صبح بسی دمد که ما دم نزنیم

(← ذکاوتی قراگزلو ۱۳۷۷: ۲۱۱)

به نظر می‌رسد افعال رباعی زیر نیز باید ساخت امری داشته باشند، چرا که التزامی خواندن آنها آسیب جدی به بلاغت رباعی وارد می‌کند.

برخیزم و قصد باده ناب کنم رخساره خود به رنگ عناب کنم
وین عقل ستیزه‌روی را مشی می بر روی چنان زخم که در خواب کنم

(← میرافضلی ۱۳۸۲: ۲۷۲)

۳ ساخت دوم شخص مفرد امر (امر حاضر)

همه دست‌نویسان بر این باورند که در دوم شخص مفرد از فعل امر، شناسه ظاهر نمی‌شود و، به تعبیر دیگر، ضمیر «تو» در فعل مستتر است. این سخن درست است اما کامل نیست. یک نوع ساخت از دوم شخص مفرد امر وجود دارد که در آن شناسه ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر، هم «برو» و هم «بروی» می‌توانند دوم شخص مفرد امر باشند. در زبان محاوره و گفتاری، چنین ساختی از فعل امر یا نهی مرسوم است:

می‌روی کوه، لباس گرم بپوشی.

آب سرد نخوری، مریض می‌شوی.

پپوشی و نخوری به معنی «پپوش» و «نخور» است و التزامی در کار نیست.

در ادبیات کلاسیک ما هم چنین نمونه‌هایی وجود دارد:

قصد جفاها نکنی و با دل من وادل من، وادل من، وادل من، وادل من

(مولوی ۱۳۶۳: ۴/۱۱۵)

«قصد جفاها نکنی» یعنی قصد جفاها نکن، نه اینکه قصد جفاها نباید بکنی یا نمی‌کنی.

این ساخت از فعل امر معمولاً زمانی استفاده می‌شود که مخاطب می‌خواهد در آینده به

آن عمل کند. بنابراین، می‌توان به آن «فعل امر در زمان آینده» لقب داد.

- ب (ن، م) + بن مضارع فعل (امر و نهی در زمان حال)
- ب (ن، م) + بن مضارع فعل + شناسه «ی» (امر و نهی در زمان آینده)

۴ نکته آوایی فعل امر

در آواشناسی، دو مقوله تکیه و آهنگ مطرح می‌شود، که می‌تواند وجه ممیزه در تلفظ کلمات باشد و در نتیجه بار معنایی یا دستوری کلمه را تغییر دهد. گفته شده است که تکیه وسیله‌ای است که واژه را در جمله برجسته می‌کند و معمولاً مستلزم وقوع هم‌زمان تغییر زیر و بمی و امتداد و شدت روی هجای مناسب واژه تکیه‌دار است (وحیدیان کامیار ۱۳۷۹: ۲۰). آهنگ نیز طرحی از تکیه‌ها که خود ترکیبی از زیر و بمی، شدت و دیرش است معنا شده است (همان: ۸۸).

اگر به تلفظ فعل «نکنیم» در جمله «آب را گل نکنیم» توجه شود و نحوه تلفظ آن با همین کلمه در جمله «شاید آب را گل نکنیم» مقایسه گردد، تغییر در تلفظ آشکار می‌شود. «نکنیم» در جمله اول فعل امر و در جمله دوم مضارع التزامی است. تکیه بر پیشوند «ن» در فعل امر از شدت و امتداد بیشتری برخوردار است و در فعل مضارع این شدت اندکی کمتر است. یکی از راه‌های تشخیص تفاوت امر با مضارع التزامی همین توجه به تفاوت اندک در تکیه یا آهنگ هجای اول است. البته آنچه در اینجا بیان می‌شود بر اساس یک مقایسه از طریق گوش است و جزئیات این مطلب باید در آزمایشگاه‌های زبان‌شناسی راستی‌آزمایی شود. آنچه مسلم است یک تغییر جزئی در تلفظ این دو به گوش می‌رسد که می‌تواند ماهیت آنها را از یکدیگر متمایز کند.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳)، تاریخ زبان فارسی، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۹۲)، دستور تاریخی زبان فارسی، چاپ نهم، تهران: سمت.
- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۷۲)، دستور زبان فارسی ۱، چاپ یازدهم، تهران: فاطمی.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی ۲، چاپ دوم، تهران: فاطمی.
- خانلری، پرویز (۱۳۷۲)، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: توس.

- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا (۱۳۷۷)، عمر خیام، تهران: طرح نو.
- سپهری، سهراب (۱۳۶۰)، هشت کتاب، چاپ سوم، تهران: طهوری.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران (۱۳۶۶)، دستور زبان فارسی (بنج استاد)، چاپ چهارم، تهران: اشرفی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۳)، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، کلیات شمس، ج ۴، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر.
- میرافضلی، سیدعلی (۱۳۸۲)، رباعیات خیام در منابع کهن، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۲)، دستور زبان فارسی، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۷۹)، نوای گفتار در فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی